

سایه‌هایی بر پنجره

ترجمه موسی اسوار

غائب طعنه فرمان



www.ketab.ir

سرشناسه: فرمان، غائب طُعمه

عنوان قراردادی: ظلال علی النافذة رواية.

عنوان و نام پدیدآور: سایه‌هایی بر پنجره / غائب طُعمه فرمان؛ ترجمه موسی اسوار.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۳۲۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۱۹۴-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های عربی -- عراق -- قرن ۲۰ م.

موضوع: Arabic fiction -- Iraq -- 20th century

شناسه افزوده: اسوار، موسی، ۱۳۳۲- ، مترجم.

رده‌بندی کنگره: PJA ۸۶۴۸

رده‌بندی دیویی: ۸۲۲۹/۷۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۳۶۱۱۳

نشریه علمی و ادبی



سایه‌هایی بر پنجه

غائب طعمه

مترجم: موسی اسرار

این کتاب ترجمه‌ای است از:

ظلال علی النافذه، بیروت، دارالآداب، ۱۹۷۹

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک،

شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



پیشگفتار

اگر تاکنون با شعر امروز عربی و بنیانگذاران عراقی آن، پیشگامانی چون بدر شاكر السَّيَّاب و عبدالوهاب البَّيَّاتی و بانو نازك الملائكه، به خوبی آشنا نشده‌اید، از شعر آنان آثار متعددی به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده و تعدادت پیر هشتاد و رساله‌های تطبیقی دانشگاهی گوناگونی در ایران در مقایسه و سنجش شعر آنان با شعر نوپردازان ایرانی نوشته شده است، از داستان زبان در آن نویسان برجسته عراقی کمتر خوانده‌ایم و آثار اینان با وجود ترجمه به زبان فارسی بیگانه کمتر به فارسی شناسانده و ترجمه شده است، به خلاف نویسندگان دیگر کشورها از جمله نجیب محفوظ و توفیق الحكیم و طه حسین و علاء الاسوانی از مصر و الطَّيِّب صالح از سودان و طاهر بن جَلون و ادیس شرایبی از مراکش و زکریا تامر از سوریه و عبدالرحمن مُنِیف و سعید جابر و عَسَّان کُنفانی و امیل حبیبی از فلسطین و میخائیل نُعیمه و جُبران خلیل بُبران و امین معلوف از لبنان، که برای مخاطب فارسی زبان نام‌های بسیار آشنا و شمار می‌روند و از آنان آثار متنوعی به فارسی درآمده است و موضوعی تحقیق و تطبیق قرار گرفته‌اند. یکی از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین رمان‌نویسان عراقی غائب طعمه فرمان است که او را به حق پیشگام رمان امروز عراق می‌شناسند. البته پیش از او نویسندگان توانایی همچون ذوالنون ایوب و محمود احمد السَّیِّد رمان‌نویسی را در این کشور آغاز کرده و ادامه داده

بودند اما آثار غائب طعمه فرمان، به ویژه نخستین رمان او، درخت نخل و همسایه‌ها، واجد همهٔ خصلت‌ها و خصایص رمان به معنای دقیق و هنری آن است و نقطهٔ عطفی مسلم در رمان امروز عراق به شمار می‌رود. به تعبیر نویسندهٔ توانای شهید، غسان کنفانی، غائب طعمه فرمان «از بهترین کسانی است که امروز قلم به دست دارند»، و به گفتهٔ نویسنده و منتقد نامدار، جبرا ابراهیم جبرا، «غائب طعمه فرمان تقریباً به گونهٔ نویسندهٔ عراقی است که شخصیت‌ها و وقایع را به طرزی واقعی در دامن‌های خود می‌نشانند».

غائب طعمه فرمان در ۱۹۲۷ در یکی از محله‌های قدیمی بغداد به نام «مُرْبَع» (مَرْبَعَه) به دنیا آمد. در نوجوانی به سلّ ریه دچار شد و این بیماری همیشه گریبانگیر او بود. آموزش ابتدایی خود را در مدرسه‌ای در همان محله گذراند و سپس به مدرسهٔ متوسطهٔ «زُصافه» رفت. در این مرحله، با نویسندهٔ نامی، نواد التَّكْوَلی، و شاعر نوپرداز مشهور، عبدالوهاب البیاتی، آشنا و هم‌دوره شد. در محلهٔ دبیرستان، با نویسندهٔ معروف، ذوالنون ایوب، که مدرّس جبر بود، آشنایی پیدا کرد. از همین دوره‌ها و مراحل بود که مطالعات او شکل گرفت. نیز از نوجوانی دوستدار شعر بود. شعر برخی از شعرای معاصر او را مذبذب کرده بود. او از برخی از آن‌ها یاد کرده است: معروف الزُّصافی، علی محمود طه، الیاس ابو شبکه، عمر ابوریشه، ایلیا ابوماضی، حسان حلیل جبران. سال‌ها بعد با بنیانگذار شعر نو عربی، بدر شاکر السَّیَّاب، و نیز با بزرگ‌ترین شاعر کلاسیک، محمد مهدی الجواهری، آشنا شد. خود نیز شعرهایی سروده است. مطالعات او گسترده و چندجانبه بود و در تکوین فرهنگی او تأثیری محسوس داشت. این مطالعات با اتمام تحصیلات دبیرستانی در ۱۹۴۷ با عمق و وسعت بیشتر ادامه یافت و فرهنگ او تحت تأثیر عوامل متعدد و متنوع عربی و بیگانه قرار گرفت.

آبشخورهای او هم کهن بود هم جدید و معاصر؛ هم محلی و بومی بود هم مصری و از دیگر ممالک عربی. مایه‌های بیگانه‌ او نیز یا اروپایی و غربی بود یا روسی جدید. خود او این مراحل را این گونه خلاصه می‌کند:

۱. مرحله متون کهن: شعر، نثر، کتاب‌ها و دیوان‌های چهارگانه‌ای که ابن خلدون آن‌ها را اصل و مابقی را فرع و تابع آن‌ها می‌شمرد: ادب الکاتب؛ الکامل؛ البیان و التبیین؛ التّوادر.

۲. جنبش ترجمه که همزمان با جنگ جهانی دوم از مصر و سوریه آغاز شد و نمونه‌هایی از ادبیات فرانسه و انگلیسی و روسی معرفی کرد.

۳. سفر به مصر و برپا شدن دوره جنبش ادبی این کشور.

نوشته‌های او در مراحل توضیح و پختگی نشان می‌دهد چه مایه از منابع کهن زبانی و ادبی استفاده کرده است. پشتوانه زبانی و ادبی کهن او سال‌ها بعد مددسازان عمده او در کاری شد که بخش مهمی از فعالیت‌های قلمی خود را صرف آن کرد و آن ترجمه از زبان‌های بیگانه بود. از مطالعه مجلات پرمایه نیز غفلت نکرد. برخی مجلات عراقی در رشد فرهنگی او بی‌تأثیر نبودند از جمله *المجله* و *العراق*. مجلات عربی دیگر، خاصه مصری، در ارتقای آگاهی و تدبیر فرهنگ ادبی او اثری بسزا داشتند. از این مجلات می‌توان از *الکاتب المصري* به سردبیری طه حسین و *الرساله* به سردبیری احمد حسن الزّیّات نام برد. و این علاوه بر مطالعه آثار بزرگانی چون طه حسین و ابراهیم الماری و نجیب محفوظ بود.

مطالعات او در آثار بیگانه شامل ترجمه‌هایی از ماکسیم گورکی و تالستوی و چخوف و داستایفسکی و دیکنز و همینگوی و اشتاین بک و

کالدول و گراهام گرین بود. از این میان، دو تن بر او تأثیر عمیق و پایدار داشتند: گورکی و تالستوی. به گفته او:

تأثیر گورکی به چند علت بود. نخست آنکه کتاب‌هایی که شخص در آغاز جوانی می‌خواند در حافظه‌اش می‌ماند و برداشت‌های او از آن‌ها در برابر فراموشی مقاوم است. دیگر آنکه ماکسیم گورکی در تقابل با دنیای قدیمی که به آن مانوس بودیم، دنیایی تازه عرضه کرد. او نمونه‌هایی از نوعی دیگر از زندگی به دست داد. و این علاوه بر عظمت او در سبک است، بر دقت و ظرافت زبانی او و سبک سرشار از تشبیهات او و نیز تعادل او است، که برای ما تازگی داشت. همچنین نباید از ذخیره ژرف و شگوا، عمیق او از زندگی ساده بگذریم. وقتی او از شخصیتی خاص، سخن می‌گوید، تو را افسون می‌کند و به آن شخصیت علاقه شدید پیدا می‌کنی و با او همدلی احساس می‌کنی، چون شخصیت‌های او از واقعیت برگرفته شده‌اند؛ او آن‌ها را از جامعه‌ای که زیر و بالایش را شناخته و گرفته است. او ماده و مایه‌ای دقیق و سترگ دربارهٔ جامعه به دست می‌آورد. او مایه و شخصیت‌های اجتماعی خود را بر پایهٔ تجربه و مایه بنا می‌کند. فکر می‌کنم تأثیر او از همین جاست.

ادیب روس دیگر تالستوی است که غائب طعمه فرمان به صراحت از شیفتگی شگرف خود به نوشته‌های او و تأثیرپذیری از سبک او اعتراف می‌کند:

تالستوی سهل‌ممتنع است... سادگیِ نبوغ‌آسا است... من دایم به او رجوع می‌کنم تا بدانم که نبوغ به دست دادن چیزهای خارق‌العاده و مبالغه‌آمیز نیست بلکه چینش ماهرانه خشت به

ازای خشت است؛ همه می‌دانند خشت از چه ساخته شده،
ماده آن معروف است، اما از راز بنای مهندسی و کاخ بلند جز
کسی چون تالستوی خبر ندارد.

باری، از آنجا که غائب طعمه فرمان به سلّ ریه مبتلا بود، پس از
فراغ از تحصیلات دبیرستانی در ۱۹۴۷، به او توصیه شد برای درمان و نیز
برای تحصیل دانشگاهی به مصر برود. اقامت و تحصیل او در قاهره بنیه
فرهنگی او را بیش از پیش تقویت کرد و به او امکان داد با ارکان ادبیات
نوعربی در مصر از نزدیک آشنا شود و در مؤسسات فرهنگی و مجلات
مشهور ادب اشتغال پیدا کند و شناختش از ادبیات کهن و نوعربی
بیشتر عمیق تر شود. در آنجا در محافل بزرگانی چون احمد حسن
الزّیّات، سید زکریا، و نجیب محفوظ حضوری مشهود داشت. در
۱۹۵۱، در سلّ سوم تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی در دانشکده ادبیات
دانشگاه قاهره، به بغداد بازگشت و این بار تحصیل دانشگاهی خود را
در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد پی گرفت و در ۱۹۵۴ فارغ التحصیل
شد. همزمان، از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴ در روزنامه الاهالی ارگان حزب ملی
دموکراتیک عراق به سمت دبیر بخش معانیات مردم اشتغال یافت. این
مسئولیت به او کمک کرد با اوضاع مردم عادی، مسائل و مشکلات
آنان آشنا شود و این آشنایی مایه داستان‌ها و رمان‌ها را در مراحل
بعد فراهم کرد. نیز مطالعه جدی او در ادبیات به زبان انگلیسی از ۱۹۵۲
آغاز شد. درباره آن ایام، خود گفته است:

دوره‌ای پر بار و در زندگی‌ام اثرگذار بود. مرا مدتی مدید به حال
خود گذاشت تا با خود خلوت کنم و سرگردان در محله‌های
قدیمی بغداد بگردم و بکوشم همه برآمدگی‌های خاک و زمین و
خطوط چهره مردم را در خود جذب کنم و به یاد بسپارم.

نخستین مجموعه داستان او، حاصل آشیاب، در همین دوره (۱۹۵۴) منتشر شد.

غائب طعمه فرمان در وطن کمتر روی آرامش دید و پس از تعطیلی روزنامه الاهالی در ۱۹۵۴ به سبب سیاست سرکوبگرانه دولت وقت، ناگزیر برای جست‌وجوی کار به سوریه و سپس لبنان رفت و در آنجا به سمت دبیر در مجله الثقافة الوطنیه قلم زد. اما باز هم غم نان او را رها نکرد و او ناچار از کشوری به کشور دیگر رخت بست، تا آنکه در ۱۹۵۱ در چین مستقر شد و در خبرگزاری چین نو شغل مترجمی یافت. در آنجا به سبب پیشینه بیماری، تحت عمل جراحی قرار گرفت و یک ریه از او را اشتقاق و دوره نقاهت او یک سال تمام طول کشید. با درگرفتن انفرب ۴، ژوئیه ۱۹۵۸ در عراق و برافتادن رژیم سلطنتی، به بغداد بازگشت. تمام آن سال، از تتبع در ادبیات اروپا به زبان انگلیسی باز نایستاده بود و از جمله توجه خاص او به نویسنده ایتالیایی، اینیاتسیو سیلونه، معطوف شده بود. او دو رمان نان و شراب و فوتامارای سیلونه را خوانده بود. مرد به وابستگی شدیدش به رمان فوتامارا و در نتیجه به تأثیرپذیری از آن، چه در زبان چه در فضاها یا قهرمان‌ها یا خصلت‌های شخصیت‌های آن، اصرار می‌کناد. «این تأثیر در نخستین رمان من، درخت نخل و همسایه‌ها، بازتاب یافته است». در ۱۹۵۹، دومین مجموعه داستان او به نام مولودی دیگر انتشار یافت. در ۱۹۶۰ به مسکو رفت و این سرآغاز اقامت طولانی او در روسیه بود. سی سال در آنجا زندگی کرد و نامش با شغل ترجمه گره خورد. در بنگاه انتشاراتی پروگرس به همکاری پرداخت و ترجمه آثار ادبای روس از انگلیسی به عربی و سپس با تسلط بر زبان روسی از روسی به عربی، به او سپرده شد. با این همه، از اشتغال به ترجمه در پروگرس و رادوگا به سبب انتخاب متون بر اساس مشی ایدئولوژیک و دخالت ممیزی در

مطابقت لفظ به لفظ ترجمه با متن، ناخشنود بود. ترجمه‌های او بسیار است از جمله: آثار تورگنیف در پنج مجلد؛ مجموعه آثار پوشکین؛ مجموعه داستان از داستایفسکی؛ مجموعه داستان از گورکی؛ قزاق‌ها از تالستوی؛ نخستین معلم از آیماتوف.

در مسکو، در ۱۹۶۴، اولین رمان خود، درخت نخل و همسایه‌ها، را نوشت و آن را در ۱۹۶۶ در بیروت منتشر کرد. سپس تألیف دیگر رمان‌ها در مسکو ادامه یافت: پنج صدا (بیروت، ۱۹۶۷)؛ وقت زادن حادثه (بیروت، ۱۹۷۴)؛ قربان (بغداد، ۱۹۷۵)؛ سایه‌هایی بر پنجره (بیروت، ۱۹۷۹)؛ دردهای آقامعروف (بیروت، ۱۹۸۲)؛ مطلوب و موکول به آینده (بیروت، ۱۹۸۶)؛ قایق تفریحی (بیروت، ۱۹۸۹).

اوست که در درسیه آخرین مرحله حیات او و مهم‌ترین مرحله از حیات فرهنگی او و ورز خلافت ادبی او بود. به او از طرف مقامات فرهنگی شوروی به پادشاهی‌های سترگ او در شناساندن ادبیات روسیه «نشان افتخار» نه اعطا شد. این نشان مشخصاً به کارگزاران فرهنگ و ادب، از روس‌ها و روسیه‌ای دیگر، تعلق می‌گیرد. سرانجام، غائب طعمه فرمان، پس از سال‌ها غربت، در ۱۷ اوت ۱۹۹۰ درگذشت و در مسکو به خاک سپرده شد.

رمان‌های غائب طعمه فرمان عمدتاً ناظر به احوال مختلف تاریخ معاصر عراق است. او گفته است:

اگر تاریخ‌نگاری تدوین فعالیت انسان و به دست دادن به او در مرحله‌ای از مراحل است، رمان سند صادقانه‌ای از لحظه‌های انسانی است که به مورخ کمک بسیار می‌کند تا تصویر انسان مورد مطالعه خود را در چهارچوب زمان ترسیم کند.

او به کشف عمق جامعهٔ عراق در شرایط جنگ جهانی دوم و برهه‌های پس از آن اهتمام داشت و چشم‌انداز ادبی-فکری پرباری از واقعیت عراق و مردم آن، خاصه در دوران اشغال انگلیسی‌ها، ارائه کرد و تحولات و پدیده‌های اجتماعی-اقتصادی نشئت گرفته از آن دوران از جمله جرم و جنایت و فقر و گرسنگی و بیماری و بیسوادی و بازار سیاه و روسپی‌گری و انواع نابسامانی‌های دیگر را هنرمندانه نشان داد. در این زمان، مان‌نویس بزرگ، عبدالرحمن منیف، گفته است:

گمان نکنم هیچ نویسنده‌ای عراقی دربارهٔ موطن خود به‌ماتند نایب طعمه فرمان نوشته باشد. دربارهٔ آن در همهٔ فصول و همهٔ دهه‌ها نوشت. و اگر بخواهیم با اواخر دههٔ چهل و با دههٔ پنجاه آمیخته‌ای آشنا شویم، چه بسا ناگزیر خواهیم بود به آثار او رجوع کنیم.

و از نظر پژوهشگر سوری، محمد جمال باروت:

غائب طعمه فرمان در همهٔ چیز عراقی حتی در زمان که آن را پارلمان واقعی زندگی می‌شمارد... ره‌ن او از کف زندگی مردم با همهٔ رویدادها و حوادث و مناسبات و جنایات و صحنه‌های آن برمی‌خیزد و شکل می‌گیرد و انگار نثر روزمره، زندگی را که تکراری و مأنوس می‌نماید به سطح حماسه و تاریخ، می‌سطح کلیت، فرامی‌برد.

این رصد تحولات اجتماعی و سیاسی با واکاوی لایه‌های درونی شخصیت‌های رمان‌ها و وصف و تحلیل تناقضات خاص آن‌ها همراه می‌شود و در هر یک از آثار او به ساحت و بُعدی خاص و مقطع و دهه‌ای متفاوت ناظر است. در درخت نخل و همسایه‌ها پدیده‌های جنگ جهانی دوم، در پنج صدا دغدغه‌های روشنفکری در دوران

اختناق پیش از انقلاب ۱۹۵۸، در سایه‌هایی بر پنجره وضعیت ناکام جامعه پس از انقلاب و رخداد کودتا، و در رمان‌های بعدی نیز موضوعات دیگر مدنظر است. در همه این آثار، غربت نویسنده که بیش از نیمی از عمر خود را دور از وطن سپری کرده و در وطن نیز با غربتی از نوع و لونی دیگر آشنا بود، سایه‌ای پررنگ دارد. بین دنیای نویسنده و رمان‌های او پیوندی محکم برقرار است، زیرا آثار او برآیند تجارب شخصی و خاطرات خاص خود اوست. بازگشت به گذشته از مهم‌ترین شاخصه‌ها و شگردها در آثار اوست. غائب طعمه فرمان که هم تبعید را در وطن تجربه کرد و هم وطن را با خود به تبعیدگاه برد، هرچند از غربت در ابعاد مکانی و زمانی و روحی - روانی رنج برد، با حافظهٔ پر ظرفیت و سرشار خرد که وجه فاصلهٔ سال‌ها و مسافت‌ها دقیق‌ترین ویژگی‌ها و نشانه‌های زمانه، مکان، عراق، خاصه شهر بغداد، را ذخیره داشت، در پردازش و بازگویی وقایع و تحلیلی روحیه‌ها و دغدغه‌ها و انتظارات مردم، با همهٔ زوایا و وجوه اجتماعی غالب آن‌ها، بسیار موفق بود. بغداد با مناطق فقیرنشین و با کوچه‌پس‌کوچه‌ها و زنان و بارها و مساجد و کش و واکش‌های سیاسی - فکری‌اش در رمان‌های او حضوری نظرگیر و همراه با ابعاد اجتماعی و فرهنگی دارد. مسئلهٔ عمده و چالش اساسی در همهٔ رمان‌های او آگاهی است: آگاهی انسان از موقعیت خود در جامعه و جهان. و در این راه آثار او در تعمیق آگاهی اجتماعی - انسانی در ستیز با جلوه‌های ظلم و قسارت و منقوط و واپس ماندگی، مهم ارزیابی شده است.

دربارهٔ غائب طعمه فرمان و آثار او کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های بسیار نوشته شده است. در ۱۹۸۴، دکتر ژنر یاسین شلیبه از رسالهٔ دکتری خود دربارهٔ آثار او در انستیتوی شرق‌شناسی روسیه دفاع کرد و کتاب او به نام غائب طعمه فرمان، پژوهشی تطبیقی در رمان عراقی در

۱۹۹۶ در بیروت منتشر شد. نیز از دکتر احمد الثعمان در ۱۹۹۶ کتاب غائب طعمه فرمان، ادبیات تبعید و شوق وطن انتشار یافته است. درباره او، متفکر فقید، هادی العلوی، گفته است:

غائب طعمه فرمان فصل گمشده از تاریخ ادبیات عراق را نوشته است، و این کار بی‌هیاهو صورت گرفته است، زیرا او از کوس و طبل نواختن بیزار بود و از هیاهوی محافل دوری می‌کرد و به بزرگداشت و ارزیابی بی‌اعتنا بود. جایزه او همین بود که زمانی نویسد که مردم بخوانند، یگانه دغدغه او این بود که ارتباطش با خوانندگان برقرار باشد. خوانندگان او خود جایزه و نشان او بودند.

رمان حاضر، دهه‌ای فرنگ از تاریخ معاصر عراق ناظر است: دهه شصت از قرن گذشته. دقیقاً پس از ۱۹۶۳ سال وقوع اولین کودتای خونین بعثی‌ها و ناکام ماندن حرکت انقلابی ۱۹۵۸. دگرگونی‌ها و تحولاتی که به لحاظ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در آن سال‌ها رخ داده بود در این رمان سایه انداخته است. غائب طعمه فرمان، در این رمان، از دأب دیرینه خود در پرداختن به جامعه بغداد عدول نکرده است. او در این رمان به زندگی خانواده‌ای بغدادی و ماجراهای آن در پی واقعه‌ای که به تراژدی خانواده مبدل می‌شود، می‌پردازد. او در این جامعه اجتماعی که بنیان خانواده را متزلزل کرده است و اکنش‌های متفاوت افراد خانواده را مشخص می‌کند و در ادامه دامنه و عمق واکنش‌ها و درد و ازهم‌گسیختگی انسان‌ها را باز می‌نمایاند. با آغاز بحران خانواده و بروز کشمکش، موضع شخصیت‌ها روشن می‌شود و نویسنده تناقضات حاد درونی آن‌ها را که در پس پرده بی‌اعتنایی پنهان است، نشان می‌دهد. بر این رمان بینشی هنرمندانه حاکم است و چالش آگاهی، خاصه ندای

وجدان، در کنش‌ها و حالات و تعاملات شخصیت‌ها رصد می‌شود. در آن، شاهد تقابل صداهایی هستیم که با خصلت‌های اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیک زمانه خود بار آمده‌اند. نیز در این رمان شگردهای متفاوت به کار رفته است. غائب طعمه فرمان در اغلب رمان‌های خود از نماهای سریع و پراشاره در ساختار واقعه استفاده می‌کند و گاه بر شخصیت‌هایی خاص متمرکز می‌شود سپس این شخصیت‌ها کنار می‌روند و لختی بعد بازمی‌گردند. برای او شخصیت‌های اصلی و فرعی نتوانستند بمانند و روایت یا از زبان شخصیت داستان است یا از زبان دانای کل. در این رمان هم این شیوه به کار رفته و افزون بر تکنیک‌های متعارف رمان‌نویسی از جمله استفاده از جریان خودآگاه ذهن و تداعی و بازگشت به گذشته، درهم‌تنیدگی گذشته و حال و تک‌گویی درونی و رؤیاهای بیداری، صدای متعدد و متداخل، از دیالوگ‌های تئاتر در فصولی جداگانه و انتقال استفاده شده، و از این مجموعه متنی سرشار از عناصر زیباشناختی فراهم آمده است. گاه نیز در تداعی‌های ذهن‌یک شخصیت رمان به تمرکز خواننده بر یک شخصیت یا دو تصویر یا دو تصوّر را از هم بازشناسد. نویسنده در فضای رمان آزادی عمل بسیار داشته و از این آزادی آگاهانه و به نحو سنجیده و طاری استفاده کرده است. رمان سایه‌هایی بر پنجره، به حق، از آثار مطرح این نویسنده است، زیرا با نگاه صادقانه ژرف و واقعی نوشته شده و از قلداری و سرزنش‌های خلاق تراویده است.

تازه‌ترین بازنشر این رمان در ۲۰۱۹ بوده است.

پانوشتهای متن همه از مترجم است.

م. اسوار

شهریور ۱۳۹۸